بررسی لزوم ارتباط فضاهای بینابینی در مقیاس کلان با مشخصه انتقالی با تأکید بر مفهوم ارتباط درون و بیرون (مطالعه موردی: فضای انتقالی ساختمان در چهار نمونه از مجموعه های عمومی داخلی و خارجی)*

آزاده اسماعیلی**، سعید پیری***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۵/۱۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۷/۲۱

چکیده

تغییر یک فضا به مکان، هدف وجودی معماری است و سازمان دهی مجموعه معماری می تواند عاملی مؤثر در استفاده حداکثری از عملکردها و فعالیت های افراد به شمار بیاید که با توجه به لزوم فضاهای بیرونی در کنار فضاهای درونی، فضای سومی ایجاد می شود که به واسطه این فضای مابین، سازمان دهی فضایی مجموعه صورت می گیرد. حال فضای سوم همواره وجود دارد، گاهی در قالب یک مرز تعیین می شود گاه در قالب یک فضا جلوه می کند. در هرحالت فضای مابین به مانند یک مفصل، انفصال و یا اتصال دو فضا را ممکن می سازد. حال در این پژوهش منظور از فضاهای بینابینی در مقیاس کلان (عرصه عمومی) با مشخصه انتقالی، سلسله مراتبی از فضاهای واسطه از فضاهای بیرونی تا فضاهای درونی ساختمان را در برمی گیرد. برای آزمون مدل پیشنهادی، فضای انتقالی به ۴ حوزه ورودی، فضای مکث و تجمع، فضای حرکتی-ارتباطی و فضای انتقالی بصری تقسیم بندی شده است. این فضاها از آنجا که استفاده نمی شوند، تأثیری متفاوت بر مردم نسبت به فضاهای کاملاً درون و یا کاملاً بیرون می گذارند. پرسش اصلی این است که با توجه به عرصه عمومی و همگانی، کیفیت فضای انتقالی به عنوان فضاهای مابین در شکل گیری فضایی یک ساختمان تحت تأثیر چه عواملی هستند و برای ارتقاء ماهیت و کیفیت این فضا در عناصر کالبدی معماری چه راهکارهایی را می توان پیشنهاد کرد؟ برای مطالعه موردی، ۴ مجموعه عمومی ۲ تا نمونه خارجی (مرکز ملی هنرهای معاصر لوفرسنو و مرکز دانشجویی آلفرد لرنر هال، دانشگاه نیویورک) و ۲ تا نمونه داخلی (کانون وکلای دادگستری تهران و پردیس سینمای ملت) با بالاترین میزان بهره مندی از خصوصیات بینابینی انتخاب شده اند. پژوهش حاضر از نظر ماهیت کلی به صورت کیفی و بر پایه استدلال منطقی است و بیشتر در قالب توصیف، تبیین و تفسیر تعریف می گردد. روش تحقیق مورد استفاده کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی بر مبنای روش اسنادی و مطالعات کتابخانه ای بوده و مقایسه کیفی این مفاهیم به روش تحلیلی-تطبیقی و مطالعه موردی در سه مرحله ارزیابی می گردد. در نهایت، پرسش نامه ای کیفی شامل راهکارهای مناسب در جهت ایجاد ارتقاء کیفیت فضایی مطلوب با مفهوم بینابینی با توجه به معیارهای شکل گیری تدوین گردیده که توسط ۵ متخصص معمار تکمیل شده و در این راستا راهکارهای نهایی در قالب یک جدول به عنوان راهکارهای طراحی ارائه گردیده است. به طور کلی، یافته های تحقیق نشان می دهد که فضاهای انتقالی به عنوان فضاهای مابین می توانند رویکردی مؤثر در ایجاد اتصال یا انفصال دو فضای درون و بیرون از یکدیگر باشند و موجب ارتقاء کیفیت مطلوب فضایی شود.

واژگان کلیدی

فضا، فضای معماری، فضای بینابین، فضای انتقالی

* مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد معماری آزاده اسماعیلی با عنوان " طراحی و بازآفرینی مجموعه کوروش سابق با رویکرد بینابینی جهت افزایش تعلق مکانی و خاطره انگیزی بین فضای شهری و عناصر معماری" با راهنمایی دکتر سعید پیری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال انجام شده است.

** دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. azadeh.e.esmaeili@gmail.com
*** استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) saeidpiri@yahoo.com

ISSN: 2322-5602
©: IAUH
مقاله پژوهشی- مورد پژوهی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

مقدمه

معماری مطلوب، معماری است که رابطه ای خوب میان عرصه عمومی و عرصه خصوصی برقرار کند. درواقع فضاها نقش های اجتماعی خاصی را برای مخاطبان آن محیط تعریف کرده است. هر اندازه که فضاها دارای تنوع و کارایی بیشتری باشند، حس تعلق به مکان و تعلق خاطر به فضا را بیشتر کرده و موجب ارتقاء کیفیت فضایی می شود. از طرفی اگرچه در یک مجموعه معماری، فضای درون و بیرون به وسیله عناصر کالبدی قابل تفکیک هستند ولی بین فضای درون و فضای بیرون همواره رابطه ای وجود دارد که مانع قطع ارتباط انسان با طبیعت و جامعه می گردد که این ارتباط نیاز به حضور یک واسطه است که منجر به ارتباط بیرون و درون می شود. بدان جهت که انسان علاوه بر ایجادِ امکانِ نیاز به فضای درون و بیرون به ضرورت امکانِ حرکت بین این دو فضا نیاز دارد(گروتر،۱۳۹۰،۱۶۳). حال با توجه به این که این دو فضا (بیرون و درون) همیشه در ارتباط اند، مهم ترین عامل پیوند بین دو فضا علاوه بر نحوه ارتباط، کیفیت این پیوند و ایجاد فضای گذر از یکی به دیگری می باشد. از دیدگاه شولتز[۱] در یک مجموعه معماری، برای تداوم فضایی، نیاز به یک حوزه انتقالی است تا فضای درون را به فضای بیرون متصل نماید(شولتز، ۱۳۵۳، ۴۳-۴۴). بنابراین فضاهای انتقالی در عملکرد های مختلف ایجاد مرز میان داخل و خارج می کنند که چنین فضاهایی به سبب ارتباط چند سویه از لحاظ حسی، بصری، هندسی نقش مؤثری در تلفیق فضای بیرون و درون یک مکان ایفا می کنند. بر همین اساس این پژوهش به طور خاص به موضوع ارتباط بیرون و درون در عرصه های عمومی یک مجموعه معماری پرداخته است. از آنجایی که بررسی و تحلیل تمامی فضاهای مابین در مجموعه های عمومی و فرهنگی بسیار گسترده است، در این پژوهش برای تبیین مفهوم بینابینی با مشخصه انتقالی که در محدوده فضای ورودی و لابی و گاهاً اتصال دو بخش از ساختمان به عنوان حد فاصل بیرون و درون مجموعه است، می پردازد.

روش تحقیق

این تحقیق یک پژوهش فرآیند محور با بهره گیری از راهکارهای کیفی است. روند پژوهش با فرض اینکه ایجاد و تقویت فضای بینابین با مشخصه انتقالی در عرصه های گوناگون موجب انسجام بخشی به فضاها و عناصر معماری می شود، به روش توصیفی- تحلیلی انجام می شود. همچنین مطالعه اسنادی و کتابخانه ای، به عنوان راهکار تحقیق، اساس بیان و تحلیل و توصیف و تفسیر مطالب موجود در این مقاله را تشکیل می دهد. در گام نخست، مطالعاتی در کتاب ها، مقالات و اسناد متعددی، در مورد مبانی نظری تحقیق، ویژگی ها، نگرش ها و رویکرد های پیرامون مفهوم فضای بینابین انجام شده است. در گام دوم، به مفاهیمی پیرامون مفهوم فضای درون و بیرون و فضای مابین و ویژگی های آنها پرداخته شده است که با توجه به این نکته که گام اول و دوم به روش تحلیلی-توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است در گام سوم با هدف تحلیل و مقایسه کیفی این مفاهیم به روش تحلیلی-تطبیقی و مطالعه موردی به عنوان رویکرد تحقیق، چند نمونه از بناهای معاصر داخلی و خارجی که با رویکرد فضای بینابین ساخته شده است، انتخاب گردیده و بررسی و مقایسه شده است. در گام بعدی، پرسش نامه ای کیفی شامل راهکارهای مناسب در جهت ایجاد ارتقاء کیفیت فضایی مطلوب با مفهوم بینابینی با توجه به معیارهای شکل گیری تدوین گردیده که توسط ۵ متخصص معمار تکمیل شده و در نهایت با استدلال استقرایی به تحلیل داده ها و دسته بندی و طبقه بندی دیدگاه ها و آراء پرداخته است و از طریق ایجاد ارتباط بین مفاهیم مطرح شده و با بررسی مطالب به دست آمده راهکارهایی برای طراحی و چارچوب مفهومی جهت خلق فضای سوم در راستای ارتقاء کیفیت فضای مابین ارائه و معیارهای اصول طراحی استخراج شده است.

پیشینه پژوهش

در زمره مقولات اخیر در زمینه تحقیق و پژوهش، مبحث فضای بینابین از جمله مباحث بکر و بدیع به شمار می آید، منتهی می توان اظهار داشت این مبحث در علوم گوناگون نظیر فیزیک، زبان شناسی و فلسفه مطرح شده است. دراین بین، توجه به مبحث بینابینی در عرصه زبان شناسی بیشتر بوده است و افرادی چون رولان بارت[۲]، ژولیا کریستوا[۳]، گراهام آلن[۴] و بهمن نامور مطلق و غیره را می‌توان نام برد. حال متأسفانه موضوع بینابینی در معماری ایران رشد قابل ملاحظه ای نداشته است و کمبود منابع معتبر پژوهشی در عرصه بینابینی موجب گشته تعاریفی متناقض از فضای بینابینی ارائه شود (بلیلان اصل، اعتصام، اسلامی،۱۳۹۰،۶۱). با این حال درباره مفهوم فضای بینابین، دیدگاه ها و نظریه های مختلفی مطرح شده است، می توان در این عرصه به محقق ایرانی دکتر بلیلان اصل اشاره نمود که مقاله ای تحت عنوان " نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت های تاریخی ایران" به راهنمایی دکتر اعتصام و دکتر اسلامی برگرفته از رساله دکتری خود تحت عنوان " تأثیر فضای بینابین در پیوستگی فضایی عناصر معماری و شهرسازی در ایران با مطالعه موردی شهر تبریز"

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

می‌باشد که به بررسی مبسوط فضای بینابین و ویژگی و تأثیر آن در سازماندهی فضایی پرداخته است. همچنین در بین معماران معاصر غرب می توان به معمارانی چون پیتر آیزنمن[۵] برنارد چومی[۶] رابرت ونتوری[۷] و جیوانی موچیوکو [۸] و سوفوجیموتو [۹] را در این عرصه پیشرو دانست که نمود این مباحث در زمینه معماری بینابین و فضای بینابین را در کتاب هایی همچون پیتر آیزنمن(نوشته سیلویو کاسارا [۱۰]) و برنارد چومی (نوشته جودانی دامیانی [۱۱]) و پیچیدگی و تضاد در معماری (رابرت ونتوری) و سوفوجیموتو جنگل، غار و آشیانه؛ فصلی نو در معماری خانه های ژاپنی(یاشار محمدی و البرز محمدی) و مقاله جیوانی موچیوکو تحت عنوان " منطقه به عنوان فضای بینابین" در مجله شهر، سرزمین و معماری(۲۰۱۴) مشاهده کرد. همچنین در حوزه بینابین با تأکید بر مفهوم بیرون و درون محققان مختلفی از نگاه های فلسفی، زبان شناسی و معناشناسی با عناوینی چون جداره ها- فضای وصل (بدیعی،۱۳۸۱)،فضای مرزی-پیوندی(میرشاهزاده،۱۳۹۰) و مفصل(رضاخانی،۱۳۹۳) پرداخته اند و به مقالات منتشر شده در همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری و همایش ملی صد سال معماری در شهرسازی معاصر ایران نیز می توان اشاره کرد. لذا نتایج حاصل از این مقالات بیانگر این موضوع است که فضای بینابین یکی از عوامل مهم، تداوم و پیوستگی و سلسه مراتب و عرصه بندی فضایی عناصر معماری و شهری بوده و از این رو، در سازماندهی یک مجموعه عامل مؤثری به شمار می رود (بلیلان اصل، اعتصام، اسلامی،۱۳۹۰،۶۸).

مفاهیم و مبانی نظری

بینابینی از دیدگاه لغوی: واژه‌ی "بَین" در لغت‌نامه‌ی دهخدا از جمله لغات اضداد به معنی جدایی و پیوستگی، فرق و فصل میان دو چیز و جدایی آمده است. این واژه به معنی میان و وسط گاهی به عنوان اسم و زمانی ظرف زمان و یا ظرف مکان می‌آید. بدین ترتیب لغت"بَین" بسته به تعریف و شرایط استفاده می‌تواند با لغاتی همچون وصل،پیوستگی، فصل، جدایی، مرز، حد، لبه،آستانه و درنتیجه ربط هم‌معنی و مترادف شود (بلیلان اصل، ستارزاده، ۱۳۸۸، ۱۷۱- ۱۷۰).

واژه In- between معادل انگلیسی لغت بینابینی در فارسی است. در لغت‌نامه تخصصی معماری در تعریف این واژه چنین آمده است: «بینابین فضایی که دائماً در حال حرکت است، مکانی در خودش، محدودیتی ساخته شده در حاشیه، فتح بین قلمرو دو جنگجو، مبهم، سرگشته، دورگه و نامعلوم. بینابین، لزوماً یک فضایی خالی و یا یک فضای باقیمانده نیست. در یک هندسه با روابط پیچیده بینابینی به مکانی استوار تبدیل می‌شود، مکانی که هندسه آن را دم و بازدم می‌کند، یک مکان ابهام‌های همزمان. بنابراین بینابین جدا نمی‌کند، بلکه همواره ملحق می‌نماید»(The Metapolis dictionary of advanced architecture,2003)

مفهوم فضای بینابین: همانطور که در پیشینه اشاره شد، می توان ادعا نمود که به دلیل کمبود منابع معتبر پژوهشی در عرصه فضای بینابین به استثناء تعاریفی کلی که از سوی برخی منابع به ندرت افراد متخصص، تعریف دقیق و جامعی از فضای بینابین در دست نیست. برخی از منابع از فضای بینابین به عنوان باور به وجود فضای سوم، چگونگی و کیفیت آن متناسب با زاویه دید تعریف و تفسیر می شود ولی آنچه که به موضوع بینابینی انسجام و قدرت می بخشد بررسی موضوع بینابینی در حیطه گستره فضا است (بلیلان اصل، اعتصام، اسلامی،۱۳۹۰،۶۱). و یا منابعی که فضای بینابین را حدفاصل فضای کهنه و نو می دانند؛ همانند برنارد چومی معمار معروف فرانسوی که آن را استراتژی بینابینی تلقی نموده و منظور از فضای بینابین را فضایی خوانده که در آن بنایی از قبل موجود و آنچه خود جاسازی می کند، به هم می رسند. این کار تلفیق بنای کهن و نو و محصول بسیاری از طرح های اوست (رضایی،۱۳۸۱،۷۰). و برخی هم از فضای بینابین به عنوان حدفاصل فضای داخل و خارج یاد می کنند و گاهی از فضای بینابین یعنی "لحظه تغییر از فضایی به فضایی دیگر، از عملکردی به عملکرد دیگر و ..." این تغییر نیازمند آستانه است تا بروز کند (برگرفته از پایان نامه ای تحت عنوان Thresholds and Transitions Inbetween the public and private realm در دانشکده پلی تکنیک ویرجینیا در سال ۲۰۰۵).

یان گل[۱۲] از این فضا به عنوان فضای واسطه ای نام می برد که عملکرد دو جانبه دارد. این فضای واسطه، مکان، شکل، شخصیت مستقل و مرز مخصوص به خود ندارد بلکه مرز آن به واسطه فضاهای واقع در طرفین آن مشخص و تعریف می گردد و مکانی است میان فضاهایی با چندین شخصیت و هویت که جهت سازماندهی و ارتباط میان فضاها ایجاد شده است(ساسانی،عینی فر، ذبیحی، ۱۳۹۵،۷۰). همچنین ونتوری، در کتاب"پیچیدگی و تضاد" پدیده بینابینی را با مفاهیمی همچون سطوح متضاد و پدیده «هم این و هم آن» تعریف می کند. اگر تضاد منبع پدیده «هم این و هم آن» باشد، شامل عناصری می گردد که به صورت هم زمان بزرگ و کوچک، باز و بسته، پیوسته و جدا و ... می باشد. وی در ادامه عنوان می کند که « فضاهای مابین برای شناخت اشیاء ضروری هستند. بدون این فضاها بازشناسی مستقل اشیاء عملی نیست و گذشته از آن، فضاهای مابین نقش بسیار مهمی در رابطه با تک تک عناصر با یکدیگر ایفا کنند.» ساختمان در نزدیکی هم رابطه ای با

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

یکدیگر ایجاد می کنند که این ارتباط از طریق فضای مابین است. در این حالت یکی از آنها جزئی از دیگری محسوب می شود (گروتر، ۲۲۶،۱۳۹۰). یان گل درکتاب زندگی در فضای بین ساختمان ها بیان می کند که فضای بین ساختمان ها باید طراحی شود و نمی توان آن را تنها فضای باقیمانده دانست. همچنین عنوان می کند که محبوب ترین فضاها برای توقف کردن و ماندن در مناطق، انتقال میان فضاهاست (Gehl,2011).در واقع به واسطه فضاهای بینابینی، احساس محدودیت به آزادی پیوند خورده و موجب تعدیل در تضاد دو گانه فضایی می گردد. از دیدگاه میرمیران، ویژگی های آزاد کننده در بنا چون « گشایش»، « تعلیق»، «سیلان» فضایی که برآمده از اصل شفافیت هستند از طریق توسعه عناصر فضامند، موجب از بین رفتن مرز قاطع درون و برون می شوند و ارتباطات بصری-حرکتی و پیوند درون و بیرون را به اوج می رساند(سلیمان زاده، حبیب، اعتصام، ۱۵۳،۱۳۹۸). بنابراین با توجه به تعاریف ارائه شده، اتصال و جدایی بین هر دو فضا، نیازمند فضای سومی است که این ارتباط را برقرار کند. فضای بینابین دارای مفاهیم متضاد هم زمان است که وجود آن سبب درک فضاهای اطراف می شود. این فضا بسته به شرایط مکان استفاده با مفاهیمی چون «پیوستگی و وصل» و « جدایی و فصل» و «حرکت و انتقال» ارتقاء پیدا می کند.

ویژگی‌های فضای بینابین: دیوید اسمیت کاپن [۱۳] در کتاب نظریه‌های معماری، به معرفی سه ویژگی شکل، کارکرد و معنا به عنوان اصلی‌ترین ویژگی‌های فضای معماری پرداخته است که پیوند این سه مشخصه منجر به تعریف و تحدید فضای سوم خواهد شد یعنی هر فضای مابین شامل این سه ویژگی است و با توجه به بستر قرارگیری، بخشی از ویژگی های فضای مابین(کالبدی، عملکردی و معنایی) قوت می یابد. درنتیجه فضای مابین فضایی است که :

- بر اساس عناصر کالبدی که دلالت بر تعیین مرزها و حدود است، محصور می‌شود (شکلی- کالبدی)
- درون آن، کانون تمرکز معنا می‌شود (معنایی)
- محل تعاملات می‌گردد (ارتباطی- کارکردی).

بدین سان فضای بینابین علاوه بر آنکه به فرآیند شکل دادن فضاهای اطراف کمک می نماید، به درجه بندی و جهت گیری مفاهیم تقابل، تعامل و تفاهم به طور همزمان کمک می نماید و نقش سازمان دهی اجزاء و عناصر را در هر بنا و فضای شهری داشته و ظرفی برای عملکردهای مختلف محسوب می شود(بلیلان اصل، اعتصام، اسلامی، ۱۳۹۰، ۶۱).

درون و بیرون از دیدگاه لغوی: در لغت نامه دهخدا ؛ واژه "درون[۱۴] " به معنای اندرون، مقابل بیرون، ضد برون، درمیان و در فرهنگ معین به معنای داخل و در فرهنگ عمید به معنای میان چیزی یا جایی آمده است. همچنین واژه "بیرون[۱۵] " نیز در لغت نامه پیش گفته به معنای درون و خارج، ظاهر چیزی و محلی که برای وقت گذرانی به آنجا می روند ظاهر شدن و آشکار معنی می دهد(لغت نامه دهخدا،۱۳۷۳). جدایی و ارتباط بین جهان و فضای داخل و در واقع فضاهای داخلی و خارجی بنیاد های همیشگی معماری هستند. در زمان های مختلف در جهت ایجاد پتانسیل برای معماری آینده، فضاهای داخلی و خارجی جا به جا شده و یا به یکدیگر پیوسته اند(روحی،۱۳۹۷،۶۵). در حیطه بینابین، داخلی و خارجی بودن در ارتباطی مشترک هستند که مدام درحال دگردیسی بوده و به شکلی آرام و لطیف همگرا می شوند، چیزی شبیه به قلمرو توده ای شکل و ابر مانند و مکانی که فضاهای داخلی و خارجی به هم می پیوندد. از این رو، تمام نوآوری و چالش های معمارانه نیز در جهت تبدیل همین حوزه بی نظم و بی شکل و بدون تقسیم بندی و غیر شفاف به موجودیتی منسجم و معمارانه است (سوفوجیموتو،۳۹،۱۳۹۳). حال، پژوهش ها و نظریه های مختلفی مرتبط با فضاهای مابین و ارتباط بیرون و درون انجام شده است:

- بولنوف [۱۶] دوگانگی بین درون و بیرون را مبنای هرگونه ادراک فضا و در تمام زندگی انسان نیز قابل پیگیری می داند." تنش موجود بین دو قطب درون و بیرون و ارتباط متقابل و تعادل بین آن دو ضروری است. سلامت درونی انسان حکم می کند که کار در بیرون و آرامش در فضاهای خانه انجام می گیرد"(گروتر،۱۶۳،۱۳۹۰).

- گروتر، ارتباط فضای درون و بیرون را در سه دیدگاه مورد بررسی قرار داده است. دوره اول معماری همچون مجسمه سازی بود و توجهی به فضای داخل نمی شد. در دوره دوم تنها به فضای بیرون یا درون توجه می شد نه ارتباط بین این دو. درون و بیرون تنها در حدی بود که شخصیت داخل از خارج قابل شناسایی باشد. در دوره سوم ارتباط بین درون و بیرون برقرار شد که همان اوایل قرن بیستم بود تا اینکه در دوره مدرن به کلی مرزها از بین رفته و مرزی مبهم و پیچیده شده است(گروتر،۱۶۸،۱۳۹۰). همچنین، کالین جان ویلسون در مقاله خود تحت عنوان "The Natural Imagination " پیشنهاد می کند، فضاهای که به طور همزمان به صورت خارجی یا داخلی تلقی می شوند، ممکن است یک پاسخ زیبایی شناسی عمیقاً در حال حرکت را ایجاد کنند که نحوه به کار بردن عناصر و اجزاء در بدنه بنا همچون شفافیت سطوح، منجر به افزایش اتصال بصری داخل و خارج می شوند (Skinner,2003,2-6). به طور کلی در طول تاریخ همواره رابطه بین

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

فضای درونی و بیرونی، انسان را درگیر ساخته است. این رابطه یک حقیقت غیرقابل اجتناب است، زیرا که بدون آن تمامی کارکرد یک فضای محصور میسر نخواهد شد. پس جدایی و اتصال دو فضا همواره نیازمند فضای سومی است تا بروز نماید(Nooraddin,1990,43). بنابراین وقتی که مکان ها و محیط ها نسبت با یکدیگر در تعامل باشند، مفهوم درون و بیرون شکل می گیرد. در نمودار زیر به اختصار به چند نمونه از دیدگاه ها و نظریه های مختلف مطرح شده درباره مفهوم فضای مابین ارتباط درون و بیرون اشاره می کنیم :

نمودار ۱ –دیدگاه ها و نظریه ها در ارتباط با مفهوم درون و بیرون



ویژگی‌های مفهوم مرز میان درون و بیرون: در تعامل بین فضای داخلی و خارجی، فضاهای انتقالی به عنوان فضاهای بینابین یا میانی شناخته می شوند که می توان با توجه به ویژگی فضایی و همچنین درجه ادغام شان در بخش اصلی ساختمان آن ها را طبقه بندی کرد که به واسطه همین فضاهای مابین درون و بیرون مجموعه ای از فرصت های طراحی برای معماران و طراحان ایجاد شود(Roura &Maragno,2011,2). لذا برای شناخت و دستیابی به ویژگی های فضایی درون و بیرون نیاز به یک چارچوب نظری مدون است که با استناد به مطالعات اولیه در زمینه فضاهای مابین، مؤلفه هایی برای مفهوم مرز ارتباط بیرون و درون در نظر گرفته شده است. از جمله عوامل وجوه فضای بینابین می توان به عوامل محیطی–کالبدی، عملکردی–رفتاری، ادارکی–معنایی اشاره کرد.

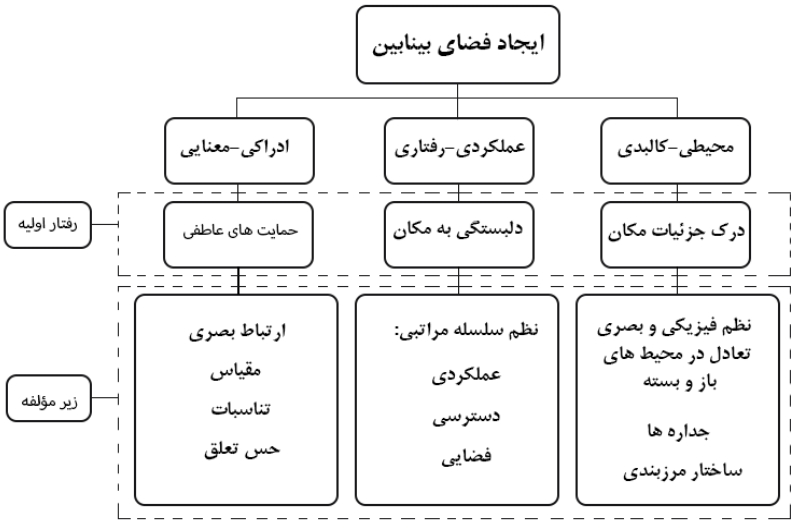
۱– عوامل محیطی–کالبدی: از جمله عوامل کالبدی می توان به نظم فیزیکی، بصری، تعادل در محیط های باز و بسته، جداره ها و ساختار مرزبندی کالبدی اشاره کرد.

۲– عوامل عملکردی–رفتاری: نظم سلسله مراتبی و قلمروهای عملکردی، سلسله مراتب دسترسی، سلسله مراتب فضایی و سلسله مراتب عملکرد های مختلف ارتباط فضاهای درون و بیرون را شکل می دهند.ساختار عملکردی فضا در بروز رفتارها در محیط مؤثرند(عینی فر،آقالطیفی،۱۳۹۰، ۲۰) و برخی از معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می کنند(پاکزاد،۱۳۸۵، ۵۴) و متقابلاً از رفتارها و پیش بینی وقوع آنها تأثیر می گیرند.

۳– عوامل ادراکی–معنایی: این عامل به دریافت های ذهنی انسان از محیط زندگی مربوط می شود و بیشتر از آنکه موضوعی عینی باشد کاملاً ذهن است و بر وجه اجتماعی افراد تأثیرگذار است. ارتباطات بصری، مقیاس و تناسبات، ایجاد حس تعلق به فضا و حس جدایی از فضا، دید و منظر از بیرون به درون و از درون به بیرون در این دسته از ارتباط قرار می گیرند و ادراک ساختمان ها و محیط اطراف و ارتباط با آنها از طریق معنابخشی به محیط صورت می گیرد(عینی فر،آقالطیفی،۱۳۹۰، ۲۰).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

نمودار ۲ –عوامل وجوه فضای بینابین



حال با تقسیم بندی فضاها به دو دسته کارکردی(شامل فضای اصلی یک ساختمان) و فاصله گذار(فضای انتقالی و مرتبط کننده) می توان دریافت که فضاها اشاره به محدوده میانی و بینابین دارند(نوروزی،۱۳۹۱،۲۲). پس برای شناخت ویژگی های فضای بینابین درون و بیرون، مرز میان دو فضا علاوه بر آنکه مبین ویژگی های شکلی و عملکردی و معنایی است بر ویژگی های ارتباطی نیز دلالت دارد(بلیلان اصل، اعتصام، اسلامی،۱۳۸۸،۱۷۳).از این رو، فضای بینابین درون و بیرون برای جداسازی فضاهای عمومی و خصوصی برای ایجاد امکان انتقال بین دو فضا نیازمند فضاهای تحت کنترل یا به عبارتی نیازمند آستانه هستند و فضای آستانه با ویژگی ها و کیفیات مختلف جداسازی درون و بیرون را ممکن می سازد(رضاخانی،۱۳۹۳،۱۰۷). درواقع فضاهای گذار (انتقالی) با کارکرد خود، نقش نماد را در فرهنگ و معماری بازی می کنند که به عنوان یک پل با کشف و ایجاد جوامع جدید گذشته و حال را بهم پیوند می زند(Asadi & Tahir &.Shabani Arjmandi,2015,184-185). اولین تأثیر یک ساختمان بر شخصی که به آن وارد می شود را می توان از تجربه فضاهای انتقالی آن درک کرد. در فضاهای انتقالی نزدیکی دو فضای پیرامونی مورد نظر است و آنچه که از خود دو فضای پیرامونی مهم تر است نقش فضای انتقالی است که در تقویت و تضعیف این ارتباط مؤثرند(رضاخانی،۱۳۹۳،۱۰۷). پس یکی از مهم ترین ارتباطات در عرصه معماری، ارتباط فضای «بیرون و درون» است. از این رو اطلاق واژه " آستانه" در حد فاصل دو فضای معماری همانند یک حوزه انتقالی عمل نموده و با ارائه اشکال مختلف موجب تلفیق و یا تفکیک حداقل دو فضا می گردد(بلیلان اصل، اعتصام، اسلامی،۱۳۹۰،۶۱). فضاهای انتقالی یا آستانه از آنجایی که همواره استفاده نمی شوند، تأثیری متفاوت بر مردم نسبت به فضاهای کاملاً درون یا کاملاً بیرون می گذارند. لذا آستانه در معماری به معنی مرز میان بیرون و درون است. زمانی که وارد فضایی می شوید یا از آن خارج می شوید، لحظه شروع تجربه جدید است که مرز میان دو فضای متضاد است. موقعیتی زمانی و مکانی که بیرون و درون را به صورت هم زمان ترسیم می کند. اگر آستانه نباشد هیچ انتقال فضایی معنا نمی گیرد. این فضا وظیفه دوگانه جداسازی و ارتباط دو بخش را در یک ساختمان یا بین دو ساختمان مختلف انجام می دهد. همانگونه که یک کتاب نیاز به مقدمه و معرفی دارد تا از متن اصلی جدا شود و در عین حال با آن ارتباط یابد، هر ساختمان نیز به مقدمه نیاز دارد. بنابراین میزان اهمیت فضاهای انتقالی مشخص می شود (برگرفته از مقاله ای تحت عنوان Thresholds in Architecture نوشته D Kirit.Bhonsle، مجله Architecture: time space & people). همچنین فضاهای آستانه یا به عبارتی انتقالی می توانند با استفاده از مقیاس و تناسبات، تغییر مسیر در سطوح و مصالح، ایجاد نور و سایه و ایجاد تغییر در منظر و دید، جداسازی درون و بیرون را به وجود می آورند(گروتر،۱۳۹۰،۲۵۱). پس کیفیت مطلوب فضاهای انتقالی زمانی ایجاد می شود که انسان به کمک حواس پنج گانه خود حس حرکت و انتقال را درک کند. همچنین فضاهای انتقالی می توانند به عنوان یک روش کارآمد در جهت تعدیل آب و هوای فضای داخلی با منابع آزاد موجود در طبیعت و بهبود آسایش حرارتی بناها محسوب شوند (denobbelsteen Taleghani&Tenpierik&van 2012,1). لذا طراحان و معماران می توانند در حین طراحی فضاهای داخلی، مؤلفه هایی را که منجر به ارتقاء حس مطلوبیت دو فضای معماری و ایجاد حس رضایتمندی فضایی و ویژگی های مربوط به دید به درون و بالعکس را در نظر بگیرند و شاخص هایی که میزان دعوت کنندگی فضاها و انسجام بیشتر فضایی را افزایش می دهد را در طراحی لحاظ نمایند (نامداری، کرباسی، ۱۳۹۶، ۳۲-۳۱).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

یافته‌ها

فضاهای انتقالی، حرکت را به سمت فضاهای جدید امکان پذیر می کند. همانطور که گفته شد، لحظه تغییر از فضایی به فضای دیگر، از عملکردی به عملکرد دیگر از جمله ویژگی های فضای بینابین با مشخصه انتقالی است. پس مسیر حرکت و انتقال ابزار تغییر به شمار می آیند و هم امکانی را برای حضور و هم تفکیک فراهم می کنند.در واقع در فضاهای انتقالی فضاهای بیرونی، بینابینی، درونی با یکدیگر مواجه و حوزه های فضایی تعریف می شوند.گاه برای تغییر از فضای داخل به خارج و بالعکس این ارتباطات و فضاهای انتقالی به صورت فیزیکی و حسی تعریف می شوند تا بتوانند هویت منحصر به فرد هر فضا را مشخص و تعامل مناسب را در کل فضای معماری برقرار کنند. این تعامل منجر به ایجاد حس ثبات و یکپارچگی بین دو قلمرو فضایی می شود و علاوه بر این، ارتباط و مرز را بیان می کند که فضاهای انتقالی که به عنوان ابزار تغییر به شمار می روند گاه در مرز احساس می شوند گاه در ارتباط دو تا بخش از فضا یا بین دو تا ساختمان. حال با توجه به مطالب گفته شده، فضاهای بینابینی با مشخصه انتقالی که بر اصول تفکیک و انتقال، جدایی و پیوستگی، حد و مرز و تداخل و جهت گیری استوار است، می توان ۴ حوزه فضای انتقالی متفاوت برای تعیین ارتباط ۲ فضا درون و بیرون شناسایی کرد :

- فضای ورودی
- فضاهای مکث یا تجمع : این فضاها با ایجاد مکث فضایی و عبور و یا ایجاد عملکرد در آن ها می توانند یک انتقال مناسب را ایجاد کنند و امکان درک تمایز دو فضا را فراهم کرده و ایجاد فرصت هایی برابر جهت تعاملات اجتماعی را فراهم آورد.
- فضاهای ارتباطی : شامل مراتبی از فضاهای پویاست که جهت حرکت را القاء می کند و با حرکت در راستای طول، فضاها و مفاصل عملکردی را به یکدیگر متصل می کنند.
- فضاهای انتقالی بصری: تأکید بر دید بدون مانع و گشایش‌ها منجر به پیوند درون و بیرون می‌شود و فضا را از سکون به پویایی ارتقاء می‌دهد. در ساده ترین حالت، دیوار به عنوان واسطه و حائل بین درون و بیرون در معماری به شمار می آید؛ ولی در تکامل معماری، فضای مابین جایگزین فرم حائل شده و تقریبا جزئی ضروری در معماری محسوب می شود. در این نوشتار به منظور تسهیل بررسی فضاهای مابین درون و بیرون در حوزه انتقالی، پروژه های معاصری در نظر گرفته شده اند که بالاترین میزان بهره مندی از خصوصیات بینابینی مذکور را دارند. حال در این مرحله تعدادی از نمونه های معماری ایران و جهان ارزیابی می گردد.

نقد و بررسی نمونه‌ها

– مرکز ملی هنرهای معاصر لوفرسنو : یکی از مشغله های اصلی در معماری چومی همان چیزی است که خودش استراتژی بینابین می خواند و منظور فضایی است که در آن بنای از قبل موجود و آنچه چومی جاسازی می کند به هم می رسند. چومی در پروژه لوفرسنو مرکزی است برای هنرهای چند رسانه ای تلفیقی. هدف از طرح، توسعه مدل جدیدی از مرکز هنری از طریق ترکیب کهنه و نو، توسعه و تولید، تمرین هنری و نمایش عمومی بود. عنصر شاخص پروژه سقفی وسیع و معلق است و نمونه موفقی از ایده جعبه درون جعبه می باشد. فضای بینابین به صورت شبکه ای آبی رنگ، قسمت های مختلف را به هم ارتباط می دهد و پنجره های نیمه بیضوی در بام فولادی نور روز را به داخل هدایت می کنند و سطوح بالایی مجموعه نوعی احساسی شهر در درون شهر پدید می آید. در پله ها امکان دید به فضاهای مختلف پایین وجود دارد(رضایی،۱۳۸۱، ۷۰–۷۳).

– مرکز دانشجویی آلفرد لرنر هال، دانشگاه نیویورک : این مرکز استراتژی طراحی خود را با خطوط ساختاری پلان قدیمی انطباق داده و با اختیار گرفتن دو بال در دو طرف ابتکار اصلی این طرح را که فضای بینابینی است میان این دو قرار می دهد. این دو حجم موجود به وسیله گونه ای جدید و اساساً متفاوت از رمپ با یکدیگر ارتباط دارند و در این فضا عملکردهای گوناگونی در راستای این رمپ شکل گرفته اند. در بدنه این رمپ از جدیدترین فناوری موجود برای شیشه و فلز استفاده شده است. وُید یا فضای خالی میانی نقش مرکز و کانون پروژه را ایفاء می کند(دامیانی، ۹۶،۱۳۸۶).

– کانون وکلای دادگستری تهران : در این پروژه از دیاگرام دو فرم در فضای بینابین استفاده شده و از یک فضای تهی به صورت مورب تشکیل شده است. استفاده از فرم ترازو به عنوان دیاگرام فرم اولیه تأثیر بسزایی در معلق شدن دو قسمت حجم داشته است و باعث شده فرم‌ها در فضای بینابین به صورت معلق دیده شوند. نمای بیرونی بنا مفهومی از ترازوی عدالت را یک بار در شکل دو وزنه بزرگ معلق و بار دیگر در سیمای شاهین بزرگ میان دو وزنه به نمایش می گذارد، در حالی که انعکاس بیرونی شناور بودن کل بنا در فضاست. احساس معلق بودن طبقات و احاطه همه جانبه فضا، به محض ورود به طبقه همکف و رویت سطح زیرین طبقات آغاز می گردد و با کشیده شدن نگاه به اسمان،از درون شکاف بین

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

دو بدنه که هر چه بالا می رود بازتر می شود، تشدید می گردد، و با حضور در طبقات و عبـور از راهـروی پیرامـونی کـه بـه دیـواره هـای جـانبی نچسبیده اند،تکمیل می شود. مشاهده مکرر شکاف بین کف و دیواره راهروها،احساس شناور بودن در فضا را تداوم می بخشد. علاوه بر خیال انگیز بودن دفاتر کار معلق در فضا، طرح توانسته است در یک زمین شرقی–غربی کشیده، ضمن اجتناب از نور مزاحم غرب، روشنایی لازم را برای همـه فضاها تامین کند، و به همین دلیل کاربرد سطوح شفاف در نماهای خارجی و داخلی بازتاب مؤثری بر عملکرد ساختمان شده است. کـاربرد مـس و برنج در پرداخت هنرمندانه سطح دو بدنه معلق، نقش رقیب و تشدید کننده را نسبت به فضای شفاف و خالی احاطه کننـده ایفـا مـی‌کنـد و باعـث می‌شود که مکمل نقش‌آفرینی سطوح شیشه‌ای در دور نمای شهری باشند(بانی مسعود،۱۳۹۰،۴۱۳).

– پردیس سینمای ملت : در مجموعه سینمایی ملت، ایده های مختلفی قابل تشخیص اند. یکی از مهم ترین ویژگـی هـای آن بـالا رفـتن سـطح طبقه همکف و ایجاد گذرگاه در بخش زیرین است. در سینما ملت فضای درون پاکت–پوسته–ساختمان قرار داده شده اند و فضـای بینـابین بـرای دسترسی ها و برنامه های جانبی در نظر گرفته شده اند. در این پروژه، کلیشه مات بودن سطح بیرونی از بین رفته و شفاف شـده اسـت و برقـراری تداوم به ویژه میان بیرون و درون استفاده شده است. در عمل مرز میان فضاها برداشته شده و فضاهای مجزا و مستقل به صورت فضایی پیوسته و واحد درآمده اند(کیانی، بهجو، تهرانی،۱۳۹۴،۶۶) و در راستای کاستن جرم ساختمان و افزایش فضا و ایجاد فضـای بینـابینی بـا تأکیـد بـر کیفیـت فضایی، شفافیت کشش و جذبه ای را در به وجود آوردن توالی فضاها در داخل و خارج بنـا ایجـاد کـرده اسـت (سـالاری،محمدی، پیـری، ۱۳۹۲، ۷۲و۸۱). بدین ترتیب، بنا به یک آکواریوم تبدیل میشود که فعالیت های درونش از بیرون قابل مشاهده اند. یک جبهه ایـن بنـا را خیابـان و جبهـه دیگر را پارک احاطه می کند. این دو فضا از طریق فضای پیلوتی زیر ساختمان به بهترین شکل در هم نفوذ می کنند و تبدیل بـه فضـایی پیوسـته می شوند. فضای خارج از طریق رمپ هایی که در پیلوتی تعبیه شده اند، در درون امتداد می یابد. در این میان پیلوتی نقش فضای بینـابین را بـازی می کند. رمپ ها در داخل بنا نیز وجود دارند و فضاهای مختلف بنا را به شکلی سیال و نرم به هم مرتبط می کنند. از سوی دیگر، جداره هـا تمـام شیشه ای شرقی وغربی بنا باعث می شوند فضای درون و بیرون یکی شود. به طور کلی، با تحلیل این بنا می توان نتیجه گرفت فضـای سـیال از درون به بیرون تداوم یافته است. همچنین در پردیس ملت پیلوتی به عنوان یک فضای مفصل بین بنا و فضای اطرافش قرارگرفتـه و ضـمن جـدا کردن این دو، تداوم فضایی میان بنا و محیط و همچنین پیوستگی فضایی سایت را برقرار می کرد(کیانی، بهجو، تهرانی،۱۳۹۴،۶۵–۵۹).

جدول ۱ –ابعاد و شاخصه های کیفیت بینابینی در مجموعه های انتخاب شده خارجی

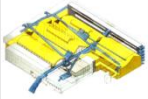
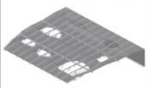
مجموعه	مشخصات	بیان ویژگی های فضای بینابینی
کانون وکلای دادگستری تهران	معمار : هادی میرمیران موقعیت : تهران، ایران سال ساخت : ۱۳۷٤-۱۳۸۰	کاربـرد دیاگـرام دو فـرم و فضـای بینابیـن در راسـتای هـدف پـروژه بـه منظور اسـتفاده از فـرم تـرازو (نمـاد عدالـت) بـه عنـوان دیاگـرام فـرم اولیـه و معلـق .کردن دو قسمت حجم
		احسـاس معلـق بـودن طبقـات و احاطـه همـه جانبـه فضـا، بـه محـض ورود بـه طبقـه همکـف و رویـت سـطح زیریـن طبقـات شـروع و بـا کشـیدن نـگاه بـه آسـمان، از درون شـکاف بیـن دو بدنـه، کـه هـر چـه بالاتـر مـی رود بازتـر مـی .شود و تشدید می گردد گسـترش تأثیـرات شـکلی متقابـل بنیادیـن: پـر و خالـی، قائـم و افقـی در لایـه .های کارکردی در مقابل استفاده از شیوه های ترکیبی
پردیس سینمای ملت	معمار : رضا دانشمیر و کاترین اسپیردونف موقعیت تهران، ایران سال ساخت : ۱۳۸۵-۱۳۸۷	بالاتر رفتن سطح همکف و ایجاد گذرگاه در بخش زیرین اسـتفاده از بدنـه هـای شـفاف و کـدر در هـر قسـمت از فـرم بـا توجـه بـه عملکرد و برقراری ارتباط به ویژه میان بیرون و درون پیلوتـی بـودن بنـا بـه عنـوان فضـای بینابیـن و یـک فضـای مفصلـی بیـن بنـا و فضـای اطرافـش و ایجـاد تـداوم فضایـی بنـا و محیـط (پیوسـتگی (فضایی سایت امتـداد فضـای خـارج بـه فضـای درون بـه واسـطه رمـپ هـا در قسـمت .پیلوتی
		

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

جدول ۲ –ابعاد و شاخصه های کیفیت بینابینی در مجموعه های انتخاب شده داخلی

مجموعه	مشخصات	بیان ویژگی های فضای بینابینی
کارگاه ملی هنرهای معاصر (لوفرسنو)	معمار : برنارد چومی موقعیت : تورکوینگ، فرانسه سال ساخت : ۱۹۹۱-۱۹۹۷	تلفیق کهنه و نو و فراهم شدن نگاه همزمان به گذشته و آینده استفاده از رویکرد فضای بینابین در راستای هدف طرح به منظور مرکزی برای هنرهای تلفیقی استفاده از ایده جعبه درون جعبه فضای بینابینی در فضای بین احجام قدیمی و سقف جدید برای اتصال و ارتباط و ایجاد پیوستگی میان فضاها (فضاهای قدیمی و جدید
مرکز دانشجویی ،آلفرد لرنر هال دانشگاه نیویورک	معمار : برنارد چومی موقعیت : برادوی، نیویورک، آمریکا سال ساخت : ۱۹۹۴-۱۹۹۹	استفاده از پتانسیل نوآورانه فضای بینابینی برای تعادل با احجام موجود در سایت استفاده از رمپ در فضای بینابین برای اتصال قسمت ها و فعالیت های مختلف این مرکز استفاده از وُید یا فضای خالی میانی به عنوان مرکز و کانون پروژه .که توسط حرکت افراد تعریف شده و فعال می شود طراحی فضاهای جمعی و عمومی در فضای بینابین و ایجاد دید از فضاهای پیرامونی به این فضا و همچنین اتصال به فضای مرکزی .به صورت بالکن

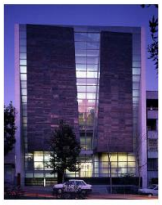
جدول ۳–تحلیل و بررسی معیارها و شکل گیری فضای بینابین در مصادیق خارجی انتخاب شده

مجموعه	روش ایجاد مشخصه انتقالی: ورودی	فضای داخل: فضای مکث و تجمع	فضای داخل: فضای ارتباطی (پلکان و رمپ و راهرو)	بین فضای داخل و خارج: فضای انتقالی بصری (پیلوتی، شفافیت)	تحلیل مؤلفه معرف ویژگی های فضای بینابین	مؤثر بر عامل
کارگاه ملی هنرهای معاصر (لوفرسنو)					ـ استفاده از خطوط مورب با تضاد رنگی برای القاء سیالیت فضایی و به عنوان فضای بینابین و ایجاد مرز غیر قطعی بین درون و بیرون	ادراکی-معنایی
					ـ استفاده از پلکان و رامپ های بزرگ روباز برای افزایش فضاهای میانی و به صورت معلق در فضا و قابل مشاهده بودن حرکت انسان ها در آن از اکثر (مکان ها سیالیت بصری	محیطی-کالبدی
					ـ ایجاد حفره هایی در سقف جهت نورگیری و ایجاد تداوم بصری فضا در حالت عمودی	ادراکی-معنایی
مرکز دانشجویی ،آلفرد لرنر هال دانشگاه نیویورک					ـ استفاده از فضای بینابین به عنوان فضای جمعی و عمومی و امکان دید گسترده به اطراف و از پیرامون به این فضا و اتصال به فضای پیرامونی ـ استفاده از رمپ در فضای بینابین برای اتصال قسمت ها و فعالیت های مختلف این مرکز ـ فضای بینابین به عنوان عامل تفکیک دهنده و ارتباط دهنده و اتصال دهنده در سازمان دهی فضایی ـ شفافیت جداره ها به مثابه یک مفصل در ناحیه انتقالی عمل می .کند	ادراکی-معنایی عملکردی-رفتاری عملکردی-رفتاری محیطی-کالبدی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

حال با توجه به ماهیت هنرمآبانه معماری باید در نظر داشت که در این بخش ممکن است پروژه ای به طور همزمان در برادرنده ویژگی هـای مختلفی از فضای مابین باشند. در همین راستا عوامل فضای مابین در قالب سه دسته در نظر گرفته شده انـد: کالبـدی، عملکـردی، معنـایی و روش ایجاد مشخصه انتقالی در چهار دسته طبقه بندی شده اند. علاوه بر آن، به منظور شفاف کردن هرچه بیشتر نتایج حاصل از این نوشتار با استفاده از یک بررسی تطبیقی، میزان کیفی استفاده از فضای مابین در نمونه های معماری مبتنی بر این مبانی مورد بررسی قرار می گیـرد. در واقع تحلیل عامل کالبدی و عملکردی موضوعی کاملاً عینی محسوب می شوند و به طور کامل برای ایجاد ارتباط، فضای بینابین طراحی مـی شود و با بهره گیری از عناصر و اجزاء معماری نمود پیدا می کند ولی عامل معنایی (ادراکی) جزء دریافت های ذهنی انسـان از محـیط اطـراف دسته بندی می شوند و تنها با ایجاد شفافیت و دید بدون مانع برای فرد و یا با درنظر گرفتن فعالیت های مشابه موجب می شـود فـرد هـر دو فضا را در امتداد هم و احساسی از بینابینی و پیوستگی در فرد ایجاد کند.

جدول ۴- تحلیل و بررسی معیارها و شکل گیری فضای بینابین در مصادیق داخلی انتخاب شده

مجموعه	روش ایجاد مشخصه انتقالی			تحلیل مؤلفه معرف ویژگی های فضای بینابین	مؤثر بر عامل
	ورودی	فضای داخل: فضای مکث و تجمع	فضای داخل: فضای ارتباطی (پلکان و رمپ و راهرو)	بین فضای داخل و خارج: فضای انتقالی بصری (پیلوتی، شفافیت)	
کانون وکلای دادگستری تهران		 	 	 	ـ استفاده از فضای بینابینی در میان دو حجم و استفاده از سقف شیشه ای و کشیده شدن نگاه به سمت آسمان و احساس معلق بودن دو قسمت حجم ـ استفاده از راهرو در راستای نماهای اصلی پروژه برای ایجاد چشم انداز مطلوب ـ ایجاد اختلاف ارتفاع در سقف لابی و فضاهای داخلی برای ایجاد تداوم بصری ـ استفاده از پنجره ها به صورت سرتاسری با فریم های آهنی (نشان دهنده ریتم
پردیس سینمای ملت	 	 	 	 	ـ مخدوش شدن مرزها و جاری شدن فضا به درون به واسطه پیلوتی کردن بنا ـ ارتباط بیرون و درون از طریق استفاده از فرم ـ استفاده بسیار از رامپ برای اتصال طبقات (به جای استفاده متداول از پله) به منظور حفظ یکپارچگی فضایی ـ استفاده از فضاهای بینابینی به عنوان یک عنصر ارتباطی بصری میان فضاهای عملکردی

تحلیل یافته‌ها

در این مرحله برای رسیدن به راهکارهای مناسب براساس مطالب فوق، جهت ایجاد و خلق فضای سوم با مشخصه انتقالی در راستای ارتقاء کیفیت فضای مابین هم راستا با ویژگی های فضای بینابین، پرسش نامه ای کیفی استفاده گردیده که توسط ۵ متخصص معمار تکمیل گشت. در ادامه با بررسی پاسخ های پرسش نامه، دریافت می شود که روابط فضایی درون و بیرون به عنوان ترکیبی از عوامل کالبدی، عملکردی، معنایی بین محیط درون و محیط بیرون تعریف می شود و غالباً برای ایجاد عناصر معماری، محیط داخلی را به فضای بیرونی و باز به صورت کالبدی و عملکردی و یا حتی از لحاظ معنایی متصل می کند و علاوه بر الزامات بهره برداری فضاها، هر بنای کارکردی نوع خاصی از تعامل

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

و ارتباط با بستر خود را می طلبد که در اکثر مواقع مقیاس کارکرد از لحاظ عمومی و خصوصی بودن کاربر ساختمان، رابطه مستقیمی با میزان ارتباط دارد و یا به عبارت دیگر، بنای عمومی که برای استفاده افراد زیادی طرح شده در مقایسه با بنای نیمه عمومی از امکانات تعاملی بیشتری مانند شفافیت، انعطاف مرز، ترکیب بنا با محیط، سیالیت و گشودگی برخوردار است. به همین ترتیب، دستورالعمل پیشنهادی ذیل به عنوان راهکارهای این پژوهش هم راستا با هدف و ویژگی های محیطی جهت ارتقاء کیفیت ارتباط محیط درون و بیرون ارائه گردیده است.

جدول ۵–طبقه بندی راهکارهای طراحی مبتنی بر ارتقاء کیفیت فضایی با مفهوم بینابینی

طبقه بندی فضای انتقالی	راهکار طراحی	معیار شکل گیری	مؤثر بر عامل
ورودی	– افزایش زمان گذر از ورودی به منظور درک و تعامل مناسب با فضا	جذابیت، تنوع فضایی و ایجاد بستر تعاملات نزدیک به محیط	کالبدی، ادراکی
	– طراحی ورودی به صورت حجمی با همه الحاقات و ترکیبی از فضاهای مکث و گذر	انعطاف پذیری، تنوع فضایی و بصری	کالبدی،عملکردی
	– ایجاد حس دعوت کنندگی و امکان ایجاد حس تعامل و تعادل با عرصه درونی	انعطاف پذیری، خوانایی، تنوع بصری	ادراکی
فضای مکث و تجمع	– استقرار فضاهای باز متعدد در میان فضاهای بسته (وُید	تنوع، انعطاف پذیری، وسعت دید،نفوذ نسبی دو فضا	عملکردی
	– طراحی عناصر کالبدی چند عملکردی با قابلیت تغییر با حفظ سلسله مراتب با جانمایی درست فضاهای جمعی	انعطاف پذیری،رعایت سلسله مراتب فضایی و ایجاد بستر تعاملات	عملکردی
	– بهبود کیفیات بصری و زیباسازی فضاهای جمعی و مشترک	تشویق افراد برای حضور افراد در فضاهای باز و جمعی	ادراکی ،عملکردی
فضای ارتباطی	– استفاده از هندسه های خطی برای ایجاد فضاهای حرکتی	پیوستگی دید و نفوذپذیری	کالبدی
	– استفاده حداکثری از رامپ برای اتصال فضاهای داخلی به صورت پیوسته به یکدیگر	،انعطاف پذیری، وسعت و پیوستگی دید، خوانایی تنوع و جذابیت	کالبدی
	– ایجاد کشش بصری به فضای پس از ورود در انتهای مسیر حرکتی	انعطاف پذیری، خوانایی، ایجاد توالی و تداوم بصری	ادراکی
فضای انتقالی بصری	– پیلوتی کردن ساختمان و قرار دادن بنا در ارتفاع	افزایش نفوذ بصری و انعطاف	کالبدی
	– تنوع در ابعاد و شکل بازشوها و استفاده از چشم اندازهای متنوع جهت تنوع بصری و تنوع فضای	انعطاف پذیری، وسعت و پیوستگی دید، خوانایی	ادراکی
	– استفاده از سبزینگی در عرصه های مختلف در فضاهای درونی و بیرونی برای تشویق حضور افراد	انعطاف پذیری، تنوع، جذابیت	ادراکی

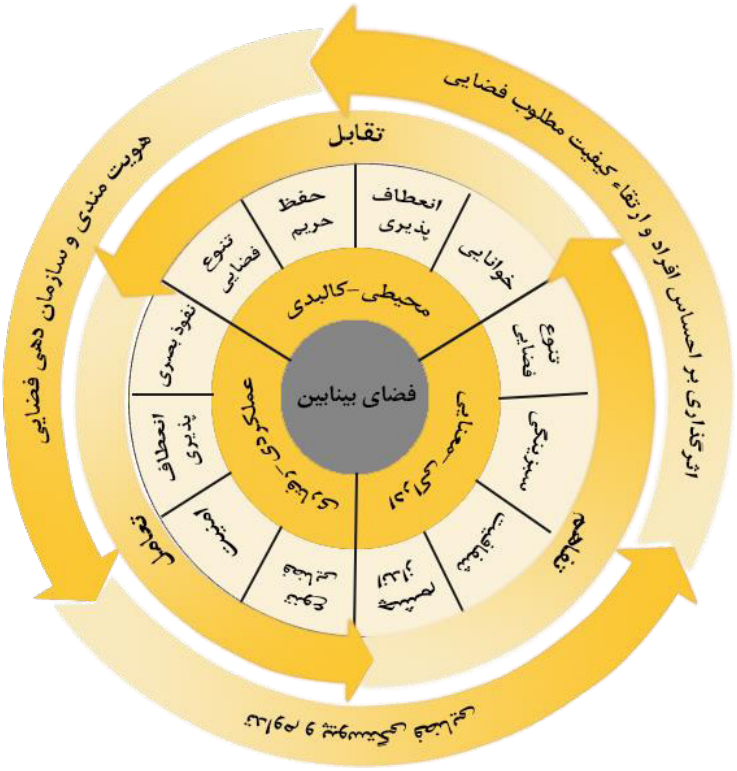
بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم ترین ابعاد فضاهای عمومی و بینابینی ایجاد فرصت هایی برابر جهت تعاملات اجتماعی است. در این تعاملات مردم رابطه قوی تری با محیط و جامعه برقرار می کنند. این امر منجر به شکل گیری شبکه های اجتماعی و افزایش حس مشارکت جمعی گردیده و حس تعلق خاطر را تقویت می نماید. درواقع خلق یک مکان نیازمند یک مرز میان درون وبیرون است که در بناهای معماری فضاهای رابطی وجود دارد که معانی، فرم ها و عملکرد های مختلف باعث پیوند فضاها می شود. لذا چنین فضاهایی در طراحی نقش اتصال و ارتباط دهنده دارند که امکان مکث و عبور را در فضا تأمین می کنند. همچنین فضاهای بینابین علاوه بر آنکه به فرآیند شکل دادن فضاهای اطراف کمک می نماید، با هدف اتصال و ارتباط و دارا بودن معانی و مفاهیم متعدد به درجه بندی و جهت گیری مفاهیم تقابل،تعامل و تفاهم به طور همزمان کمک می نماید. در نتیجه فضاهای مابین باعث تفکیک، تعریف و معنادهی انواع فضاها و باعث به وجود آمدن ارتباطات، تعاملات و هویت مندی فضا می شوند. هویت فضاهای مجموعه معماری از یک سلسله مراتبی ناشی می شود که به واسطه وجود فضاهای بینابین در بین عرصه بندی های فضایی یک مجموعه منجر به ایجاد نظمی هدفمند شده اند که گاهی برای ایجاد این نظم و سلسله مراتب فضایی، فضای بینابین به عنوان مفصل ورودی، مفصل جمعی، مفصل ارتباطی در نظر گرفته می شود که بیش از هر چیز مرز را تعیین می کنند و محلی است برای تغییر کالبد فیزیکی، تغییر عملکرد و تغییر معنا. اگر مرز به عنوان موجودیت بنیادین فرض شود در حد فاصل فضاهای درونی و بیرونی به وجود می آید و فضای انتقالی به عنوان فضای جداکننده و فاصله گذار و یک فضای ارتباطی نیز محسوب می شود که تداوم و ارتباط فضای داخل و

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

خارج به کیفیت این ارتباط بستگی دارد و برای ارتقاء کیفیت ارتباط درون و بیرون می توان با طراحی فیزیکی و یا عوامل ذهنی به القاء احساس تداوم و پیوستگی میان فضاها افزود حال ضمن اینکه فضاهای انتقالی چون که تحت تأثیر عوامل کالبدی، عملکردی، ادراکی هستند، حواس پنج گانه انسان را نیز درگیر کرده و انسان به کمک این حواس درک بهتری از انتقال و ارتباط فضاها داشته باشد اما تأثیر این عوامل می تواند در بسترهای مختلف پاسخ های یکسانی نداشته باشند و در فرهنگ ها و فرصت های مختلف اجتماعی راه حل های متفاوتی برای ارتقاء کیفیت این گونه فضاها ضرورت پیدا کند. حال با توجه به انتخاب و بررسی بناهای موردنظر پژوهش، درمی یابیم که معماران به مسئله ارتباط درون و بیرون توجه کرده و هر یک به طریقی آن را برقرار کرده اند(ایجاد فضاهای انتقالی و اتصالی، ایجاد مکانِ ابهام های همزمان، پیلوتی کردن و استفاده از فضاهای خالی در میان فضاهای بسته، نفوذ نسبی فضاها، چشم انداز و شفافیت سطوح و غیره). که هر یک از این عوامل موجب پویایی و انعطاف پذیری فضاهای بینابین شده و با بهره گیری از مبانی و اصول حاکم بر روابط فضایی، بر چگونگی سازماندهی فضایی مجموعه ها مؤثر می باشد و در راستای سازماندهی فضا، با تمرکز بر هر یک از وجوه سه گانه فضای مابین (محیطی-کالبدی، عملکردی-رفتاری، ادراکی-معنایی) در سه مقیاس خرد، میانه، کلان بر احساس افراد در محل حضورشان در فضا اثر گذاشته و موجب ارتقاء کیفیت مطلوب فضایی شده و از طریق ویژگی های فضایی آن مجموعه در توسعه و تکامل فضاهای بینابینی تأثیرگذار می شوند.

نمودار۴ – چارچوب مفهومی شکل گیری فضای بینابین



پی‌نوشت‌ها

1. Christian Norberg-Shulz
2. Roland Barthes
3. Julia Kristeva
4. Graham Allen
5. Peter Eisenman
6. Bernard Tschumi
7. Robert Venturi
8. Giovanni Moccioco
9. Sufojimoto
10. CilvioCcasara
11. Jiovanni Damiani
12. John Gehl
13. David Smith Capon
14. Inside
15.Outside
16. Otto Friedrich Bollonow

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

منابع

- استین،ک. د.(۱۳۸۱). معماری در فضای بینابین (برنارد چومی)، ترجمه : رضایی،ر. دو ماهنامه معمار، شماره ۲، صص ۷۳-۷۰ .
- بانی مسعود، ا.(۱۳۹۴). معماری معاصر ایران : در تکاپو بین سنت و مدرنیته، انتشارات هنر معماری قرن، تهران، چاپ ششم.
- بلیلان اصل، ل. اعتصام، ا. و اسلامی، غ. (۱۳۹۰).« نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت های تاریخی ایران»، هویت شهر، شماره ۸، صص ۸۱-۵۹.
- بلیلان اصل، ل. و ستارزاده، د. (۱۳۹۴). « جایگاه فضای بینابین در سازماندهی فضایی عناصر معماری و شهری در ایران(مطالعه موردی : شهر تبریز در دوره قاجار) »، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۱۶۹-۱۸۱.
- بلیلان اصل، ل. (۱۳۸۷). تأثیر فضای بینابین در پیوستگی فضایی عناصر معماری و شهری در ایران با مطالعه موردی شهر تبریز، رساله دکتری به راهنمایی دکتر ایرج اعتصام و مشاور دکتر غلامرضا اسلامی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات،تهران.
- بدیعی، ن. (۱۳۸۱). جداره ها (حریم وصل)، رساله دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۵). مبانی نظری و طراحی شهری،انتشارات شهیدی، تهران،چاپ اول.
- دامیانی، ج. (۱۳۹۱). برنارد چومی، ترجمه : ابراهیم آبادی،س. چاپ اول، انتشارات پرهام نقش، تهران.
- دهخدا، ع. (۱۳۷۳). لغت نامه دخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- رضاخانی، ژ. (۱۳۹۳). "درآمدی بر مفهوم مفصل در معماری بر اساس روش هایدگر ریشه شناسی واژه "، دو فصلنامه معماری ایرانی،شماره ۵، صص ۱۰۵-۱۰۴.
- روحی، پ. (۱۳۹۷). روایت های آوانگارد(گفتگو با استادان موسسه معماری کالیفرنیای جنوبی)، انتشارات کتابکده کسری، چاپ دوم.
- ساسانی، م، عینی فر، ع و ذبیحی، ح. (۱۳۹۵). " تحلیل رابطه بین کیفیت فضای میانی و کیفیت های انسانی- محیطی* مورد پژوهی: مجتمع های مسکونی شهر شیراز"، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی،دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۶۹-۸۰.
- سالاری، س، محمدی، ب. و پیری، س. (۱۳۹۲). "بررسی تحلیلی نمود شفافیت و تأکید بر کاستن از ماده و افزایش فضا در برخی نمونه‌های ارزشمند معماری ایرانی"، نشریه علمی-پژوهشی مطالعات محیطی هفت حصار، شماره چهارم، سال اول، ص۷۱-۸۱.
- سلیمان زاده، س، حبیب، ف. و اعتصام، ا. (۱۳۹۸). "مدل مفهومی ارزیابی شاخص های فضای معماری بر مبنای تطبیق دیدگاه های غربی و ایرانی- اسلامی" فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، شماره ۲۳، سال هفتم، صص ۱۴۳-۱۶۳.
- شولتز، ک. ن. (۱۳۵۳). هستی، فضا و معماری، ترجمه : طبیبیان،م.دانشگاه تهران.
- عینی فر، ع. و آقا لطیفی، آ. (۱۳۹۰)."مفهوم قلمرو در مجموعه های مسکونی"، هنرهای زیبا، شماره ۴۷، صص ۱۷-۲۸.
- کیانی، م. بهجو، ا.، و راسیتان طهرانی، ن. (۱۳۹۴).« تداوم فضایی در معماری معاصر ایران بررسی میزان تأثیرپذیری معماری معاصر ایران از معماری غرب و معماری ایرانی»، فصلنامه نقش جهان، شماره۳-۵، صص ۵۲-۶۷.
- گروتر، ی. (۱۳۹۰). زیبایی شناسی در معماری، ترجمه : پاکزاد،ج. همایون،ع. تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لنگ، ج. (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، عینی فر،ع. دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- محمدی، ی. محمدی، ا. (۱۳۹۳). سوفوجیموتو، جنگل، غار و آشیانه، مفصلی نو در معماری خانه های ژاپنی، مشهد، کتابکده کسری، چاپ اول.
- میرشاهزاده، ش. اسلامی، غ. و عینی فر، ع. (۱۳۹۰). " نقش فضای مرزی- پیوندی در فرآیند آفرینش معنا"، هویت شهر، شماره نهم، صص ۵-۱۶.
- نامداری، م.، وکرباسی، ع. (۱۳۹۶)." بررسی رابطه بین دید به بیرون اتاق ها و پیکربندی فضاهای اداری بر رضایتمندی کارمندان از مطلوبیت این فضاها، نمونه مورد مطالعه : ساختمان شهرداری منطقه ۱ شهرداری تهران"، صفه، شماره ۷۹، دوره ۲۷، صص ۱۹-۳۵.
- نوروزی، ر. (۱۳۹۱)."بررسی مفهومی(مفصل) در سازمان کالبدی معماری،نشریه شهر و معماری بومی، شماره ۳، ص۱۹-۳۳.
- Asadi M, Tahir M.M, Shabani M.M , & Arjmandi H. (2015), INTRODUCTION TO TRANSITION SPACE IN CONTEMPORARY IRANIAN HOUSING TYPOLOGY. Jouranl of social science and humanities,VOL 10, No 1, Page 184 - 194.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]

– Bhonsle. K.D. (2010), “Thresholds in Architecture ", Journal of Architecture: time space & people, Page 30-36.
– Gehl, J. (2011). Life between Buildings: Using Public Space (Sixth Edition ed). Island Press.
– Maragno, G.M, & Roura, H.C. (2010)," IMPACTS OF FORM-DESIGN IN SHADING TRANSITIONAL SPACES: THE BRAZILIAN VERANDA", The Prague CESB10 – Central Europe towards Sustainable building conference. prague: Czech Sustainable Building Society, Page 1-7.
– Nooraddin, H. (1996), AlFina’ A study of "In-Between" spaces along streets as an urban concept in Islamic cities of the middle east with a case study in Cairo , Department of Town and Regional planning , Faculty of Architecture, Trondheim- Norway.
– Ramaswamy, D. (2005), " Thresholds and Transitions In between the public and private realm`"; Thesis’ the faculty of Virginia Polytechnic Institute and State University, at the city of Blacksburg in the state of Virginia.
– Skinner, P. (2003)," Reflections on Inside-Outside Space". Design + Research; Project based research in architecture, 2nd International Conference. Melbourne: University of Queensland, Page 1-11.
– Taleghani, M, Tenpierik, M, & Van Den Dobbelsteen, A. (2012), "The Effect of Different Transitional Spaces on Thermal Comfort and Energy Consumption of Residential Buildings". 7th Windsor Conference: The changing context of comfort in an unpredictable world. London: Network for Comfort and Energy Use in Buildings.
– The Metapolis dictionary of advanced architecture. (City, technology and society in the information age). (2003), printed and assembled in European Union, Barcelona.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.6.8]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.79]